

دبه جان‌گری

صفحه ۲

مسیرهای راهپیمایی تهران

صفحه ۲

سه‌شنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۲ | ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۴۳۶ | ۱۰ فوریه ۲۰۱۵ | سال هفتم | شماره ۱۵۲۴ | ۱۶ صفحه | ۵۰۰ تومان



اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی

اوباما: تهران برای اولین بار امتیازات واقعی داده است

صفحه ۲

یوم‌الله

نه پس نمی‌آییم!

حسین قدیانی

نه پس نمی‌آییم. نه پس اهل کوفه می‌شویم و تنها می‌گذاریم علی(ع) را. نه پس فراموش می‌کنیم عهدی را که با خون شهیدان بسته‌ایم. نه پس از شعار «مرگ بر آمریکا» آن هم در جهانی‌ترین هنگامه‌اش کوتاه می‌آییم. نه پس از یاد می‌بریم «الله‌اکبر» آغشته به خون شهیدی را که شب ۲۲ بهمن ۶۴ به جای بام خانه، در همان اروند خروشان سر داد. نه پس اجازه می‌دهیم آمریکا فکر کند به جای یک ملت شکست‌ناپذیر، انقلابی و همیشه در صحنه، تنها و تنها با ۴ تا دیپلمات طرف است. نه پس در آستانه سی‌وهفتمین بهار انقلاب رجز «من انقلابی‌ام» را بدون حماسه حضور، بدون لبیک به ولی امر و تنها در حد یک شعار یابین می‌آوریم. نه پس دشمن را در این توهم نگه می‌داریم که تحریم اقتصادی موجب عدول ما از آرمان‌ها شده. نه پس بی‌تدبیری این دولت و آن دولت را به پای اصل انقلاب اسلامی می‌نویسیم و در محاسبه دچار خطا می‌شویم. نه پس مثل بعضی‌ها کت و عینک فلاتی، برای مان از لباس بدون جلیقه ضدگلوله شهید زنده موضوعیت بیشتری پیدا می‌کند. نه پس تنها می‌گذاریم «محمد رسول‌الله» را و «علی ولی‌الله» را و سلمان و ابوذر و عمار را و قرآن و نهج‌البلاغه را... و اسلام را... و خمینی و خامنه‌ای را در میان این همه قداربند شب‌پرست. نه پس به برادران چندین ساله، اجازه می‌دهیم یوسف انقلاب را باز هم درون چاه بیندازند. نه پس مثل بعضی از این آقا‌زاده‌های اختصاری، خود را طلبکار خون شهدا تصور می‌کنیم. نه پس حکایت بعضی از این خواص، خمینی بت‌شکن را به جای افق منتهی به سحر، در خواب شبانه مشاهده می‌کنیم!... نه پس نمی‌آییم و فراموش می‌کنیم که ۲۲ بهمن ۹۲ آن هم بعد از خیر مرگ بشکوه سعودی، بیش از هر ۲۲ بهمن دیگری، چشم بقیة‌الله به خیابان انقلاب اسلامی دوخته شده تا با نشان دادن ایمن «حضور» به‌الله جل جلاله، تعجیل در «ظهور» خود را از حضرت باری تعالی بخواهد. نه پس مثل بعضی‌ها زمان را می‌خواهیم اما بدون صاحب الزمان(عج) هیهات! که هر شعاری در یوم‌الله ۲۲ بهمن ۹۲ و ۲۲ بهمن‌های بعدی سر داده شود، استعاره از لبیک اصل کاری، یعنی «لبیک یا صاحب‌الزمان» است. اگر ۲۲ بهمن ۵۷ فقط شاه رفته بود، اینک ملک عبدالله، علی عبدالله صالح، مبارک، بن علی و خیلی دیکتاتور دیگر رفته‌اند. به یمن انقلاب اسلامی که منتج به بیداری اسلامی شده، فرانسه یکی یکی دارند می‌روند بلکه زمین، اندکی نفس بکشد. فی‌الحال موسم نفس کشیدن زمان است. باید بیاید صاحب الزمان (عج). به بعضی‌ها برخورد یا نخورد، ۲۲ بهمن یعنی توافق با مهدی فاطمه (س). اروند با آن جزو و مدهای ناآرام، خروشان‌تر از آن بود که بچه‌های ما با دست خالی بتوانند از عرضش رد شوند. کجا بماند الفجرهشتی‌ها که از توافق خود با بقیة‌الله الاعظم، در آن لیالی عشر سخن بگویند؟ «عنايت آمریکایی» یعنی تحریم، ترور، کودتا... یعنی طالبان، القاعده، داعش... یعنی دشمنی با ملت ایران اما دوستی با سران ملعون فتنه، لیکن زمانی است که دیگر باید لطف و عنایت را از حضرت صاحب‌الزمان(عج) جست‌وجو کرد. هم او که حضرت روح‌الله را در شاهنگام نتوا، انیس و مونس بود. خامنه‌ای را نیز. حضرت ماه خوب می‌دانند کدامین افتاب، منظور سخن است. ما نیز خوب می‌دانیم رمز و راز آن قفیه را که همنشین دائم شاه‌های رهبر انقلاب است. مگر ما خاتقاه بازی‌پرداز را فراموش کرده‌باشیم که خاطرات صاحب‌الزمانی‌روزندها از یادمان رفته باشد! و به راستی مگر انقلاب اسلامی اصلا در آستانه بهار سی‌وهفتم خود قرار می‌گرفت، اگر لطف و عنایت مهدی موعود نبود؟ ما خوب می‌دانیم آمریکا و اسرائیل، چه از جسان این منطقه از کره زمین می‌خواهند. ما به خوبی دریافته‌ایم که دشمن، چه از جان زمان می‌خواهد. اگر هدف، صاحب‌الزمان(عج) است، چشم دشمن کور باد که مهدی خواهد آمد. اگر دشمن، انقلاب اسلامی را می‌زند که به خیال خام خود مانع تحقق انقلاب جهانی منتقم خون حسین(ع) شود...

ادامه در صفحه ۱۶



ح. کلانمندی

متن کامل بیانات رهبر انقلاب در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش

اصول توافق خوب

بلند شدند آمدند با امام در خیابان «ایران» بیعت کردند، سرورد خواندند، ایستادند و کارت‌های شناسایی‌شان را سر دستشان گرفتند. این مضمون مهم این حادثه این است: جاذبه عجیب انقلاب، و آن حقیقتی که در درون انقلاب نهفته بود که دل‌ها را به سمت خودش جذب می‌کرد؛ این را ما باید بشناسیم، بدانیم و حفظ کنیم. علاوه بر کشور، در دنیا هم همین اتفاق افتاد. خب! این انقلاب، این توانایی را داشت که به تمام زوایای کشور نفوذ کند و حضور پیدا کند، یعنی مثلا فرض کنید نه فقط در شهرها، در روستاها هم مردم بلند می‌شدند و از نقطه‌ای به نقطه دیگر می‌رفتند و شعار می‌دادند: شعار به نفع امام و انقلاب، و علیه رژیم مستبد و دیکتاتور؛ این جور همه ملت به پا خاستند. علاوه بر این، در سطح جهان هم همین اتفاق افتاد- البته با نوعی تدریج- یعنی در همه‌جای دنیا؛ در آسیا، در عمق آفریقا، حتی در آمریکای لاتین ملت‌ها از اینکه یک ملتی پیدا شده است که این شجاعت را، این دلیری را دارد که در مقابل آمریکا بایستد و زور گویی آمریکا

گرفته بودند و نشان می‌دادند- این یک معنایی دارد، یک مضمونی دارد که آن مضمون را باید حفظ کرد؛ [این] یک وظیفه انقلابی است. آن مضمون چیست؟ آن این است که انقلاب، یک سخن حق و پرجاذبه‌ای بود که توانست دل‌ها را- دل‌های بی‌غرض و مرسز را، دل‌های آگاه و روشن را- در هر نقطه‌ای از کشور که بودند به سمت خود جذب کند حتی در جایی مثل نیروی هوایی ارتش پادشاهی که نورچشمی و سوگلی دستگاه‌های حاکم آن روز بلکه سوگلی آمریکا بود. با نیروی هوایی ارتش، آن روز مثل یک سوگلی رفتار می‌شد؛ هم آمریکایی‌ها، هم عوامل آنها در کشورمان- که متأسفانه در رأس امور قرار داشتند و حکومت دست آنها بود- این جوری با نیروی هوایی رفتار می‌کردند و برخورد می‌کردند. آن وقت همین نیروی هوایی، تحت تأثیر جاذبه حقیقت انقلاب، آنچنان به هیجان آمد که یک چنین کار بزرگی را انجام داد؛ یعنی در روز روشن، جلوی چشم این همه مأمور و در معرض تهدیدهای گوناگونی که آن روز وجود داشت،

بسم‌الله الرحمن الرحیم
خوشامد عرض می‌کنم به برادران عزیز، مسؤولان مشاغل بسیار حساس در بخش مهمی از نیروهای مسلح، یعنی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و پدافند و این روز را که در واقع روز نیروی هوایی است، به همه شما، به همه کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و پدافند و به خانواده‌های شما تبریک عرض می‌کنم. از گروه سرود هم به‌خاطر اجرای خوششان تشکر می‌کنیم. مساله نوزدهم بهمن که شما هر سال این روز را گرامی می‌دارید، فراتر از یادآوری یک خاطره شیرین است؛ بلکه خاطره مهمی است. حادثه نوزدهم بهمن، یک مضمون پر رمز و ماندار است؛ یعنی این حادثه‌ای که اتفاق افتاد و جوان‌های نیروی هوایی نظام پادشاهی پا شدند، آمدند با امام بیعت کردند، با آن وضوح، با آن شجاعت- که من حاضر بودم در آن مراسم؛ برخی از اینها، کارت‌های شناسایی‌شان را بالای دست

نگاه

آیا در مسیر توافق خوب هستیم؟

مجتبی‌اصغری

این چندمین بار پیاپی است که اخباری مبنی بر خروج مذاکره‌کنندگان از کیسه منافع ملی بر سر میز مذاکرات بین‌المللی، به نفع یک جریان سیاسی خاص منتشر می‌شود. این بار خبرگزاری رویترز به نقل از ۳ مقام ایرانی نوشت: «وزیر امور خارجه ایران به همتای آمریکایی خود هشدار داده شکست مذاکرات هسته‌ای دولت عملگرایی حسن روحانی را به خطر می‌اندازد». هر چند در گزارش مفصل رویترز نقل متواتر بودن این رفتار مذاکره‌کنندگان دولت، از قول «مقامات آمریکایی و ایرانی» مورد استناد واقع شده اما ظریف همه این موارد را تکذیب کرده است. تکذیب این روند قطعاً مثبت ارزیابی می‌شود اما مشکل اینجاست که به هر حال رسانه‌های مهم و معتبر غربی این خبر را منتشر کرده‌اند و ارائه ندادن پاسخ منطقی به چنین موضوع مهمی که از قدرت تأثیرگذاری بر اصل مذاکرات برخوردار است می‌تواند غرب را دچار اشتباه محاسباتی کند. در گزارش رویترز آمده است: «مقام‌های ایرانی و تحلیلگران غربی اعلام کردند اگر مذاکرات با شکست روبه‌رو شود، روحانی احتمالاً به حاشیه کشیده خواهد شد و نفوذ وی به طور چشمگیری کاهش خواهد یافت و این مساله به رقابتی وی در ایران دست بالاتر را خواهد داد». در شرایط فعلی این مهم است که مذاکره‌کنندگان ما در گفت‌وگوها به طرف مقابل بفهمانند که یک «توافق بد» قطعاً باعث ریزش شدید آرای دولت و حامیانش در انتخابات آینده خواهد شد و حتی از پتانسیل مکفی برای «شکست دولت یازدهم» نیز برخوردار است! ادامه در صفحه ۶

نقد میهمان

ضد یادداشت‌های جشنواره‌های

آخر خط

مسعود فراستی

جای تعجبی نیست. هیچ تعجبی. کاریش نمی‌شود کرد. سینمای دولتی همین است دیگر. همه با هم به «اندازه» سهم می‌برند و «غنایم» را تقسیم می‌کنند. نه به اندازه هنرشان و موثر بودنشان در جلو رفتن خود و جامعه، بلکه به اندازه بی‌اثر بودن و رام بودنشان و حفظ وضع موجود. قیل از جشنواره تنها ترس و وا همه مسؤولان فرهنگی و سینمایی این است نکند فیلمی از دستشان در برود - با سوزهای ملت‌هپ یا ملت‌هپ‌نما - و جنجالی به پا شود و آقایان مجبور به دفاع - و اغلب جاخالی - شوند و احیاناً موقعی‌شان کمی به خطر افتد. پس هر فیلمی که کمی بوی غیرعادی بدهد - مستقل از قیلم خوب یا بد بودن - فعلاً از جشنواره حذف شود تا بعداً که آب‌ها از آسیاب افتاد، فکری برایش بکنند. تصمیمی که هم به ژست آزادیخواه بودن‌شان لطمه نزند و هم به ژست «اصولی» بودن.

امسال مثل همیشه بود و کمی «جلوتر». جلوتر از چی؟ جلوتر از پرت و پلا بودن فیلم‌ها در سال‌های قبل. جلوتر از بی‌ربطی به مسائل و معضلات کشور و مردم و نیازهایشان. امسال اما فیلم‌ها بی‌تعارف‌تر شده بودند - پرورتور - بی‌هنرتر و پرت‌تر. دیوانه‌بازی، خشونت، بزهکاری، اعتیاد، خیانت، صریح‌تر شده بود اما با چهره‌های دیگر؛ به جای خیانت، گفتند: عشق و دوران عاشقی. به جای بزهکاری و اعتیاد و خشونت، گفتند: اجتماعی‌گرا.

من شخصاً با موضوع مشکل ندارم اما با خواب کردن مخاطب تحت لوای دروغین انتقاد اجتماعی، چرا. با قصه خیانت مشکل ندارم اما آن را تحت لوای عشق جا زدن، چرا. می‌شود و باید از خیانت، بویژه در اقصای مرغه نفسی و نیمه‌مرغه حرف زد. می‌شود از اعتیاد و انواع بزه‌های اجتماعی حرف زد. اما چگونه؟ موضوع نیست که اثر را مطلوب می‌کند یا نامطلوب. چگونگی پرداختن به موضوع اصل بحث است. خیانت و اعتیاد را می‌شود سمپاتیک نشان داد، یا آنتی‌پاتیک و آسیب‌شناسانه و به دور از شعار. در یک قصه درست.

ادامه در صفحه ۱۳